

مقایسه ترجمه سوره حجرات
از مصطفی ذاکری با برخی ترجمه های دیگر

عبدالوهاب طالقانی

در شماره ۲۳ نشریه وزین ترجمان وحی، مقاله محققانه و جامع و جالبی از آقای مصطفی ذاکری، تحت عنوان «ترجمه سوره حجرات و گفتاری درباره آیین ترجمه قرآن» به چاپ رسید. من مقاله را به دقت خواندم و بر احاطه و تسلط کامل نویسنده محترم به منابع بی شمار و آشنایی ایشان با مسائل فنی و تخصصی ترجمه و دیگر مباحث مربوطه، واقف شدم و اطمینان یافتیم که در مسئله ترجمه قرآن و نقد روش رایج فعلی، هم صدایی پیدا کرده‌ام و ترجمه‌ای عرضه خواهد شد که به همه ابعاد این مقاله تحقیقی، جامه عمل می‌پوشاند و این ترجمه الگو قرار خواهد گرفت. اما در شماره ۲۴ همان نشریه که ترجمه سوره حجرات را از این نویسنده توانا خواندم، و ایشان اظهار داشته بودند که این ترجمه را بیست سال قبل تهیه نموده‌اند، متأسف شدم که چه شد در این بیست سال با خواندن مقالات و بحث‌های تخصصی و نگارش مقاله‌ای بسیار تحقیقی، تغییری در روش ترجمه خود نداده‌اند و این ترجمه را همچنان دقیق می‌دانند و در مقدمه ترجمه چنین نوشته‌اند:

می‌خواستم مقایسه‌ای از چند ترجمه مشهور از همین سوره را در اینجا ارائه کنم، اما این گفتار بسیار طولانی شده است و اگر کسانی مایل باشند، این ترجمه‌ها در دسترس است و در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهها یافت می‌شود، لذا کسانی که بخواهند می‌توانند این مقایسه را خود انجام دهند. در اینجا همین قدر می‌گویم که اکنون بعد از بیست سال که از این ترجمه می‌گذرد، می‌بینم که ترجمه بسیار دقیق و درست و منطبق است با موازینی که قبلاً ذکر شده و هیچ تغییر یا اصلاحی در آن لازم نمی‌بینم و امید است که خوانندگان نیز با حقیر، هم‌آوا و هم‌عقیده باشند. ولی البته هر انتقادی از صمیم قلب پذیرفته می‌شود، زیرا که با نقد درست، دانش پیشرفت می‌کند و عیبها برطرف می‌شود.

از آنجا که این جانب آن مقدمه علمی طولانی و محققانه و بحث مستوفی در نقد و انتقاد را در مقایسه با این نمونه ترجمه بسیار مغایر دیدم، ثانیاً نویسنده ترجمه خود را دقیق و پسندیده تعریف کرده است، ثالثاً خواسته‌اند ترجمه خود را با دیگران مقایسه کنند تا امتیاز و برتری ترجمه ایشان نسبت به دیگران ثابت شود اما این مقایسه را بر عهده دیگران نهاده‌اند، اینها سبب شد تا این مقایسه را این جانب انجام دهم تا حقی از مترجمان عالی قدر توضیح نگردد و جایگاه ترجمه این محقق هم روشن شود.

این جانب ترجمه‌های متعددی را برای مقایسه انتخاب کردم. نخست آیه آورده می‌شود، سپس ترجمه آقای مصطفی ذاکری به همراه کاستیهای ترجمه ذکر می‌گردد. جهت مقایسه از ترجمه‌های مختلف بهره گرفته شده است و قضاوت اتقان و جامعیت ترجمه را بر عهده خوانندگان می‌گذاریم. قبل از شروع، تذکر این نکات ضروری است:

۱. در مواردی که الفاظ عربی با زبان فارسی آمیخته شده و جزئی از آن گردیده و کاملاً مانوس است، استعمال آنها به مراتب خوشایندتر است تا آنکه واژه‌های فارسی و سره‌های نامانوس به جای آنها قرار گیرد؛ از قبیل «وارکعوا: رکوع کنید»، «وامسحوا: مسح کنید»، «أَنْ طَهَّرُوا بَيْنَهُنَّ لِلطَّائِفِينَ وَاللَّامِكِينَ: طواف و اعتکاف کنندگان» و نظایر بسیاری دیگر.

۲. با اذعان به اینکه قرآن کلام خالق است و بی‌عیب و لایتغیر، و ترجمه‌ها با همه دقت، چون کار مخلوق است، هرگز نمی‌تواند از ظرافت، بلاغت و صلابت کلام حق برخوردار باشد، پس چه بهتر که ترجمه، مقصود و معنای کلام حق را به خواننده بفهماند، زیرا هدف فهم عموم است نه استفاده گروهی خاص. هدف تبیین کلام حق است به ساده‌ترین بیان برای فهم عموم با روشن نمودن مرجع ضمائر، مشارالیه اسماء اشاره و ارتباط آیات با یکدیگر، و دیگر مسائل مربوطه؛ و تلاش در جهت تهیه یک متن ادبی برای ادبای قوم، کاری است عبث و بیهوده.

ذیلاً به آیات مورد بحث توجه فرمایید:

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ذاکری: ای کسانی که گرویده‌اید، در برابر خدا و فرستاده‌اش پیشی نجوئید و از خدا بترسید، خدا شنوای داناست.

الف. اگر «گرویدن» لغتی است رایج و پسندیده، چه شده که در آیه ۷ «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ

الْإِيمَانُ» و آیه ۱۴ «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» و آیه ۱۷ همین سوره «يَلِ اللَّهُ يَمَنُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمْ لِلْإِيمَانِ»، «ایمان» به گرویدن ترجمه نشده و همان ایمان آمده است؟

ب. اگر «وَأَتَقُوا اللَّهَ» را به «از خدا بترسید» ترجمه می‌کنید، آیه ۱۷۵ آل عمران «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ» را چگونه معنا می‌کنید و چه فرقی است بین «وَأَتَقُوا اللَّهَ» و «خَافُونَ»؟

جناب استاد ذاکری در ترجمه، میان نبی و رسول فرق گذاشته‌اند، «نبی» را پیامبر و «رسول» را فرستاده ترجمه کرده‌اند و این دقت قابل تحسین است، اما خود در ترجمه آیه ۱۴۳ بقره «وَمَا جَعَلْنَا آيَاتِنَا الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مَنْ يَشَاءُ الرَّسُولَ» در صفحه ۶۵ شماره ۲۳ ترجمان وحی، فراموش کرده و «رسول» را همان پیامبر ترجمه کرده‌اند.

«و ما قبله‌ای را که تو اینک بر آنی (یعنی کعبه) قرار ندادیم جز برای آنکه کسانی را که از پیامبر پیروی می‌کنند از کسانی که به اعتقاد پیشین خویش (به سوی کفر) برمی‌گردند، باز شناسیم».

مقایسه ترجمه‌ها

استادولی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خدا پروا کنید که خداوند شنوا و داناست.

آیت الله مکارم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید (و پیشی مگیرید) و تقوای الهی پیشه کنید. موسوی گرمارودی: ای مؤمنان، از خداوند و پیامبرش پیش نیفتید و از خداوند پروا کنید که خداوند شنوای داناست.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

ذاکری: ای کسانی که گرویده‌اید، آوای خویش را فراتر از آوای پیامبر مبرید و با او بلند سخن مگویید همچون بلند سخن گفتن برخی از شما با برخی دیگر، مبادا کارهای «نیک» شما بیهوده گردد و از آن آگاه نباشید.

اگر معادل کلمه «تحبط» را یکی از کلمات: باطل، محو، نابود و یا تباه قرار دهیم، با معنای کلمه سازگارتر است تا بیهوده.

خرمشاهی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صداهایتان را از صدای پیامبر بلندتر مسازید و در سخن با او، مانند بلند حرف زدن‌تان با همدیگر، بلند حرف مزیند، مبدا که اعمال‌تان تباه شود و آگاه نباشید.

بهرام‌پور: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و با او بلند سخن مگویید، آن گونه که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، مبدا بی‌آنکه خود بفهمید اعمال‌تان تباه شود.

فولادوند: مبدا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود.

استادولی: ... که اعمال‌تان نابود می‌شود و شما آگاه نیستید.

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُضْحِكُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ

نَادِمِينَ

ذاکری: ای کسانی که گرویده‌اید، اگر فاسق خبری برای شما آورد (درباره درستی آن) بررسی کنید مبدا که (در پی آن خبر) ندانسته گروهی را بیازارید و آنگاه از آنچه کرده‌اید پشیمان گردید.

آیتی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید آنگاه از کاری که کرده‌اید پشیمان شوید.

فولادوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک و ارسی کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

استادولی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد...

موسوی گرمارودی: ای مؤمنان اگر بزهکاری برایتان خبری آورد بررسی کنید مبدا

نادانسته به گروهی زیان برسانید آنگاه از آنچه کرده‌اید پشیمان گردید.

۴. فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ذاکری: از دهشی از خدا و نوازشی؛ و خدا دانای فرزانه است.

این ترجمه، بیگانه و به دور از ارتباط دیده می‌شود. آیا «فضلاً» که مفعول لأجله است

چگونه باید ترجمه شود تا به آیه قبل متصل گردد؟

آیت الله مکارم: (و این برای شما به عنوان) فضل و نعمتی از سوی خداست و خداوند دانا

و حکیم است.

آیت الله محمد یزدی: خداوند چنین کرد تا از جانب خویش شما را از بخشش و نعمت برخوردار کند، خداوند دانا و کارهایش حکیمانه و هدفمند است.
 طاهری قزوینی: [این عنایات] به عنوان بخشایش و نعمتی از جانب خدا مقرر شده است و خدا دانایی است فرزانه.

۵. وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَةً فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
 ذاکری: ... پس چون باز آمد شما میان آن دو را با دادگری آشتی دهید و خوشرفتار باشید همانا که خدا خوشرفتاران را دوست دارد.

«قسط»، به معنای خوشرفتار، در کدام کتاب لغت ضبط شده است؟

سید جلال الدین مجتوبی: پس اگر بازگشت، میانشان به عدل و داد آشتی دهید و دادگری کنید و خدا دادگران را دوست می‌دارد.

استادولی: پس اگر باز آمد، میان آنها عاقلانه سازش دهید و راه عدالت پیش گیرید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

موسوی گرمارودی: و چون بازگشت، میان آن دو با دادگری آشتی دهید و دادگری ورزید که خداوند دادگران را دوست دارد.

خرمشاهی: و اگر باز آمد، آنگاه میان آنها دادگرانه سازش دهید؛ و به داد بکوشید که خداوند دادگران را دوست دارد.

آیتی: پس اگر بازگشت، میانشان صلحی عادلانه برقرار کنید و عدالت ورزید که خدا عادلان را دوست دارد.

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ حَسَبٍ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ حَسَبٍ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بَشَرِ الْأَسْمَاءِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
 ذاکری: و از خویشان بد مگویید و نام زشت بر یکدیگر منهدید، چه زشت نامی است نابکاری پس از گردیدن.

اولاً «انفسکم» در «لا تلمزوا انفسکم» به معنای خویشان نیست، زیرا شما در جمله «ولا تنابزوا باللقاب» کلمه «یکدیگر» را آورده‌اید در حالی که در آیه لغتی نیست که چنین معنا

دهد بلکه «یکدیگر» را به قرینه «یکدیگر» جمله اول که از «انفسکم» استفاده شده است به کار برده‌اید. برای اثبات اینکه «انفسکم» به معنای «یکدیگر» صحیح است، به معنای آیات زیر توجه کنید:

۱. فَتَوَيَّأ إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاتَّقُوا أَنفُسَكُمْ (بقره، ۵۴)

۲. وَلَا تَخْرُجُوا أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ (بقره، ۸۴)

۳. ثُمَّ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ (بقره، ۸۵)

۴. وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء، ۲۹)

۵. فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (نور، ۶۱)

ثانیاً با آنکه خود در صفحه ۵۴ شماره ۲۳ ترجمان وحی، در مورد ترجمه **بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْأَيْمَانِ** چنین نوشته‌اید:

ششم آنکه ترجمه باید متحمل معانی تلویحی و ضمنی اصل آیات هم باشد؛ چنان که مثلاً در مورد آیه ۱۱ سوره حجرات، مفسران و از جمله طبرسی در مجمع‌البیان، سه معنا برای «بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ» بر شمرده‌اند و نیز آنان از جمله زمخشری، برای «بَعْدَ الْأَيْمَانِ» سه تفسیر آورده‌اند. ترجمه باید چنان باشد که متحمل همه این معانی باشد و مترجم باید به این قبیل معانی جنبی، احاطه داشته باشد تا بتواند ترجمه نسبتاً دقیقی ارائه کند.

متأسفانه ترجمه خود جناب عالی «چه زشت نامی است ناپکاری پس از گرویدن» ترجمه مطلوبی نیست. اکنون شما ترجمه خود را با ترجمه‌های دیگران مقایسه کنید.

آیت الله مکارم: و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند، یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام کفرآمیز بگذارید.

استادولی: و از یکدیگر [با زبان و اشاره] عیب‌جویی نکنید و القاب زشت بر یکدیگر ننهید، بد نامی است [لقب دادن دیگران به کفر و] فسق، پس از ایمان.

موسوی گرمارودی: در میان خود عیب‌جویی مکنید و همدیگر را با لقب‌های ناپسند مخوانید، پس از ایمان، بزهارکاری نامگذاری ناپسندی است.

آیت الله یزدی: و از همدیگر عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های زشت و سبک نخوانید که پس از ایمان آوردن، نامیدن مردم به نام‌های زشت، بد و نارواست.

فولادوند: و از یکدیگر عیب‌گیریید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید، چه ناپسند است نام زشت پس از ایمان.

بهرام پور: و عیب یکدیگر را به رخ نکشید و همدیگر را به لقب‌های زشت نخوانید، پس از ایمان آوردن، چه بد نامی است نام کردن «مردم» به کفر و فسق.

۷. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ذاکری: ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای آفریدیم و (سپس) شما را نژادها و دودمان‌هایی گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید.

آیا واقعاً پس از بیست سال، ترجمه «ما شما را از نری و ماده‌ای آفریدیم» ترجمه‌ای است دقیق و مورد پسند؟ آیا ادیبان قوم یا توده مردم این ترجمه را می‌ستایند؟

استادولی: ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت شاخه‌ها و تیره‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [نه اینکه به قوم و قبیله خود افتخار کنید].

موسوی گرمارودی: ای مردم، ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید.

خرمشاهی: هان ای مردم، همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی درآورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.

بهرام پور: ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم.

آیت یزدی: هان ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را گروه‌گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.

۸. قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لِمَ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنِ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ذاکری: ... و اگر از خدا و فرستاده‌اش فرمان برید، از (پاداش) کردارهای (نیک) شما چیزی فروگذار نخواهد شد.

با توجه به اینکه فاعل «لا یت» الله است و فعل «لا یت» دو مفعول دارد: یکی مفعول شخصی «کم» و دومی «شیئاً» مفعول غیر شخصی، ترجمه آقای ذاکری صحیح و دقیق نیست.

ذیلاً به ترجمه دیگران توجه کنید و خود مقایسه نمایید.

آیت الله یزدی: و اگر خدا و پیامبر او را فرمانبرداری کنید، خدا از کارهای نیک شما چیزی

کم و کسر نمی‌کند.

موسوی گرمارودی: و اگر از خداوند و پیامبرش فرمان برید، از پاداش کردار هایتان چیزی کم نمی‌کند.

خرمشاهی: و اگر از خداوند و پیامبر او اطاعت کنید، چیزی از [پاداش] اعمال شما نمی‌کاهد.

آیت الله مکارم: و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما فروگذار نمی‌کند.

استادولی: و اگر از خدا و پیامبر او فرمان برید، هیچ از [پاداش] اعمالتان نکاهد.

۹. يَمْثُونَ عَلَيْكَ اَنْ اَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمْتُوا عَلَيَّ اِسْلَامَكُمْ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدَاكُمْ لِلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ

ضادِ قِبَلٍ

ذاکری: (این بیابانگردان) بر تو سپاس می‌نهند که (بدون جنگ) اسلام آورده‌اند، (بدیشان) بگو اسلام خویش را بر من سپاس منهد، بلکه خدا بر شما سپاس می‌نهد که شما را به سوی ایمان راه نموده است، اگر (در این سخن خویش) راستگو بوده‌اید.

جناب آقای ذاکری! چرا در ترجمه «مَنْ» در آیه ۸۲ سوره قصص «لَوْلَا اَنْ مَنِ اللّٰهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا» در صفحه ۶۱ شماره ۲۳ ترجمان وحی همان «مَنْت» را آورده‌اید و نوشته‌اید می‌توان چنین در ترجمه آورد: «اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود همانا ما را (نیز) به زمین فرو می‌برد» اما در سه مورد در این آیه، معادل «مَنْت» را «سپاس» قرار داده‌اید؟ حال کدام یک از دو لغت «سپاس» و «مَنْت» رایج‌تر است؟